

## آیا روایت « باب حطه بنی اسرائیل » با سند معتبر در منابع اهل سنت نقل شده است ؟

مقدمه :

خداوند در قرآن کریم فرموده است:

وَإِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا وَاذْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقُولُوا حِطَّةً نَغْفِرْ لَكُمْ خَطَايَاكُمْ وَسَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ. البقره/58

و (به خاطر بیاورید) زمانی را که گفتیم: «در این شهر [بیت المقدس] وارد شوید! و از نعمتهای فراوان آن، هر چه می خواهید بخورید! و از در (معبد بیت المقدس) با خضوع و خشوع وارد گردید! و بگویید: «خداوندا! گناهان ما را بریز!» تا خطاهای شما را ببخشیم و به نیکوکاران پاداش بیشتری خواهیم داد.

و در آیه دیگر می فرماید:

وَإِذْ قِيلَ لَهُمْ اسْكُنُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ وَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ وَقُولُوا حِطَّةً وَاذْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا نَغْفِرْ لَكُمْ خَطِيئَاتِكُمْ سَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ. الأعراف/161.

و (به خاطر بیاورید) هنگامی را که به آنها گفته شد: «در این شهر [بیت المقدس] ساکن شوید، و از هر جا (و به هر کیفیت) بخواهید، از آن بخورید (و بهره گیرید)! و بگویید: خداوندا! گناهان ما را بریز! و از در (بیت المقدس) با تواضع وارد شوید! که اگر چنین کنید، گناهان شما را می بخشم و نیکوکاران را پاداش بیشتر خواهیم داد.

مفسران در تفسیر این آیات نوشته اند: هنگامی که خداوند به بنی اسرائیل دستور داد وارد قریه ای شوند و با جهاد آن را فتح نمایند، آنان از دستور خداوند سرپیچی کردند و نپذیرفتند و به خاطر این سرپیچی چهل سال در يك بیابانی سرگردان ماندند، تا این که خداوند آن ها را از سرگردانی نجات داد و این قریه توسط حضرت یوشع بن نون فتح شد. سپس خداوند به آن ها دستور داد که برای بخشش گناهان گذشته خود و همچنین شکر نعمت این فتح و پیروزی، هنگامی که وارد بیت المقدس می شوند، از دروازه ای به نام «حطه» وارد و در هنگام ورود سجده نمایند و بگویند «حطه». یعنی خدایا گناهان ما را بریز. هر کس چنین می کرد، خداوند گناهان او را می بخشید و او را در جمع نیکوکاران می پذیرفت. عده ای از مؤمنان از دستور خداوند اطاعت کردند؛ اما بیشتر مردم به خاطر لجبازی که داشتند کلمه «حطه» را به «حنطه» یا «حبه» و ... عوض کردند و به جای که این سجده کنان وارد بیت المقدس شوند، عقب عقب و با بی ادبی وارد شدند. ابن کثیر دمشقی سلفی در ذیل این آیه می نویسد:

والصحيح الأول أنها بيت المقدس وهذا كان لما خرجوا من التيه بعد أربعين سنة مع يوشع بن نون عليه السلام وفتحها الله عليهم عشية جمعة وقد حبست لهم الشمس يومئذ قليلا حتى أمكن الفتح ولما فتحوها أمروا أن يدخلوا الباب باب البلد (سجدا) أي شكرا لله تعالى علي ما أنعم عليهم من الفتح والنصر ورد عليهم وإنقاذهم من التيه والضلال.

دیدگاه صحیح این است که مقصود از آن قریه، بیت المقدس بود. در آن هنگام که بنی اسرائیل بعد از چهل سال به همراه یوشع بن نون از سرگردانی نجات یافتند و خداوند بیت المقدس را برای آن ها در شام جمعه فتح کرد، در آن هنگام خداوند خورشید را نگه داشت تا آن ها بتوانند بیت المقدس را فتح کنند.

هنگامی که فتح کردند، خداوند به آن ها دستور داد در حالی که سجده شکر به جای می آوردند، از دروازه شهر وارد شوند؛ زیرا خداوند نعمت فتح و پیروزی را نصیب آنان کرده و آن ها از سرگردانی و گمراهی نجات داده بود.

ابن کثیر الدمشقی، ابوالفداء إسماعیل بن عمر القرشي (متوفای 774هـ)، تفسیر القرآن العظیم، ج1، ص99، ناشر: دار الفکر -

بیروت - 1401هـ.

در روایات متعددی که از طریق شیعه و سنی نقل شده است، رسول خدا صلی الله علیه وآله ولایت اهل البیت علیهم السلام را به «باب حطه بنی اسرائیل» تشبیه کرده و ورود از این دوازه را سعادت و سبب بخشش گناهان امت خود قرار داده است. در این مقاله این روایت را بررسی و صحت آن را ثابت خواهیم کرد.

### روایت اول : امیرمؤمنان علیه السلام

32115 حَدَّثَنَا مُعَاوِيَةُ بْنُ هِشَامٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَمَّارٌ، عَنِ الْأَعْمَشِ، عَنِ الْمُنْهَالِ، عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَارِثِ، عَنِ عَلِيِّ، قَالَ: إِنَّمَا مَثَلْنَا فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ كَسَفِينَةِ نُوحٍ وَكَبَابِ حِطَّةٍ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ.

از علی علیه السلام نقل شده است که فرمود:

مَثَلُ مَا دَرِىْنَا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ، هَمَانِدُ كَسْتِي نُوْحٍ وَهَمَانِدُ دَرِوَاذِهِ حِطَّةٌ دَرِىْنَا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ.

ابن ابی شیبہ الکوفی، ابوبکر عبد الله بن محمد (متوفای 235 هـ)، کتاب المصنف فی الأحادیث والآثار، ج 6، ص 372، تحقیق: کمال یوسف الحوت، ناشر: مکتبة الرشد - الرياض، الطبعة: الأولى، 1409 هـ.

تمام روایات این روایت، از روایت بخاری و یا مسلم هستند و توسط بزرگان علم رجال اهل سنت توثیق شده اند.

### بررسی سند روایت

#### معاویة بن هشام :

از روایات صحیح مسلم، بخاری در آداب المفرد و سایر صحاح سته:

معاویة بن هشام القصار أبو الحسن الكوفي مولي بني أسد ويقال له معاوية بن أبي العباس صدوق له أوهام من صغار التاسعة مات سنة أربع ومائتين بخ م 4

تقریب التهذیب ج 1 ص 538، رقم: 6771

معاویة بن هشام القصار کوفی ثقة عن حمزة والثوري وعنه أحمد والحسن بن علي بن عفان وكان بصيرا بعلم شريك قال بن معين صالح وليس بذاك توفي 205 م 4

الکاشف ج 2 ص 277، رقم: 5535

#### عمار بن زریق :

از روایات صحیح مسلم، ابوداود، نسائی و ابن ماجه:

عمار بن زریق بتقدیم الرء مصغر الضبي أو التميمي أبو الأحوص الكوفي لا بأس به من الثامنة مات سنة تسع وخمسين م د س ق

تقریب التهذیب ج 1 ص 407، رقم: 4821

عمار بن زریق الضبي أبو الأحوص عن منصور ومغيرة وعنه أحوص بن جواب وقبيصة وخلق قال لوین قال لي أبو أحمد الزبيري لو اختلفت إليه لكفأك أهل الدنيا مات 159 م د س ق

الکاشف ج 2 ص 50، رقم: 3988

#### سلیمان بن مهران :

از روایات بخاری، مسلم و سایر صحاح سته:

سليمان بن مهران الأسدي الكاهلي أبو محمد الكوفي الأعمش ثقة حافظ عارف بالقراءات ورع لكنه يدلس من الخامسة مات سنة سبع وأربعين أو ثمان وكان مولده أول سنة إحدى وستين ع

تقريب التهذيب ج1 ص254، رقم: 2615

سليمان بن مهران الحافظ أبو محمد الكاهلي الأعمش أحد الأعلام عن بن أبي أوفى وزر وأبي وائل وعنه شعبة ووكيع قال بن المدني له ألف وثلاثمائة حديث عاش ثمانيا وثمانين سنة قال أبو نعيم مات في ربيع الأول 148 ع

الكاشف ج1 ص464، رقم: 2132

### منهال بن عمرو :

از روات بخاري، و ساير صحاح سته:

المنهال بن عمرو الأسدي مولاهم الكوفي صدوق ربما وهم من الخامسة خ 4

تقريب التهذيب ج1 ص547، رقم: 6918

المنهال بن عمرو الأسدي مولاهم عن بن الحنفية وزر وعنه الأعمش وشعبة وروايته عنه في النسائي ثم تركه بأخره وثقه بن معين خ 4

الكاشف ج2 ص298، رقم: 5653

المنهال بن عمرو خ علي وثقه ابن معين وغيره وغمره شعبة وغيره

ذكر من تكلم فيه وهو موثق ج1 ص182، رقم: 345

### عبد الله بن الحارث :

عبد الله بن الحارث در اين سند كه منهال بن عمرو از او روايت شنیده و او نيز از اميرمؤمنان عليه السلام روايت نقل کرده، مشترك است بين دو نفر: عبد الله بن الحارث الهاشمي و عبد الله بن الحارث بن محمد الأنصاري. خوشبختانه هر دو نفر موثق هستند و توسط بزرگان اهل سنت توثيق شده اند.

### عبد الله بن الحارث الهاشمي :

از روات بخاري، مسلم و ساير صحاح سته:

عبد الله بن الحارث بن نوفل بن عبد المطلب الهاشمي أبو محمد المدني أمير البصرة له رؤية ولأبيه وجده صحبة قال بن عبد البر أجمعوا علي ثقته مات سنة تسع وسبعين ويقال سنة أربع وثمانين ع

تقريب التهذيب ج1 ص299، رقم: 3265

عبد الله بن الحارث بن نوفل الهاشمي لقبه ببه عن عمر وعثمان وعنه بنوه والزهري وأبو إسحاق مات هاربا من الحجاج 84 ع

الكاشف ج1 ص544، رقم: 2675

### عبد الله بن الحارث البصري :

از روات بخاري، مسلم و ساير صحاح سته:

عبد الله بن الحارث الأنصاري البصري أو الوليد نسيب بن سيرين ثقة من الثالثة ع

تقريب التهذيب ج1 ص299، رقم: 3266

عبد الله بن الحارث البصري عن عائشة وأبي هريرة وعنه أيوب وخالد الحذاء وثقوه ع

بنابراین، سند روایت کاملاً صحیح و تمام راویان آن، یا از روایت بخاری و مسلم هستند و یا از روایت یکی از این دو کتاب و توسط بزرگان اهل سنت نیز توثیق شده اند.

### روایت دوم : ابوسعید خدری

ابو القاسم طبرانی همین روایت را با سند دیگر در معجم اوسط خود نقل کرده است:

(6019) - [5870] حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ رَبِيعَةَ الْكِلَابِيِّ، قَالَ: نَا أَبِي، قَالَ: نَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي حَمَادٍ، عَنْ أَبِي سَلَمَةَ الصَّائِغِ، عَنْ عَطِيَّةَ، عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ، قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) يَقُولُ: **إِنَّمَا مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي مَثَلُ سَفِينَةِ نُوحٍ، مَنْ رَكِبَهَا نَجَا، وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ. إِنَّمَا مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي فِيكُمْ مَثَلُ بَابِ حِطَّةٍ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ، مَنْ دَخَلَ غُفِرَ لَهُ.**

لَمْ يَرَوْهُ هَذَا الْحَدِيثَ عَنْ أَبِي سَلَمَةَ الصَّائِغِ إِلَّا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ أَبِي حَمَادٍ، تَفَرَّدَ بِهِ: عَبْدُ الْعَزِيزِ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ رَبِيعَةَ.

ابو سعید خدری گفت: از رسول خدا (ص) شنیدم که می گفت: به راستی که مثل اهل بیت من ، همان کشتی نوح است که هر کس سوار آن شود نجات خواهد یافت و هر کس تخلف کند، غرق خواهد شد .

به راستی که مثل اهل بیت من در میان شما، همانند دروازه حطه در میان بنی اسرائیل است که هر کس وارد آن شود، بخشیده می شود.

الطبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن أحمد بن أيوب (متوفای 360هـ)، المعجم الأوسط، ج 6 ص 85 ، ح 5870، تحقیق: طارق بن عوض الله بن محمد، عبد المحسن بن إبراهيم الحسيني، ناشر: دار الحرمين - القاهرة - 1415هـ.

شجری جرجانی نیز همین روایت را با سند و متن دیگر نقل کرده است:

(533) - [ 737 ] أَخْبَرَنَا الشَّرِيفُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْحَسَنِيِّ الْبَطْحَانِيُّ، قَالَ: أَخْبَرَنَا أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي السَّرِيِّ الْبَكَّائِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو بَلَيْلٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ أَبِي حَمَادٍ، عَنْ أَبِي سَلَمَةَ الصَّائِغِ، عَنْ عَطِيَّةَ، عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: **" إِنَّمَا مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي فِيكُمْ مَثَلُ بَابِ حِطَّةٍ مَنْ دَخَلَهُ غُفِرَ لَهُ "**

الشجری الجرجانی، المرشد بالله يحيى بن الحسين بن إسماعيل الحسني (متوفای 499 هـ)، كتاب الأمالي وهي المعروفة بالأمالي الخميسية، ج 1 ص 199، تحقیق: محمد حسن اسماعيل، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت / لبنان، الطبعة: الأولى، 1422 هـ - 2001 م .

البته روایت تشبیه اهل بیت علیهم السلام به کشتی نوح با سند های صحیح نقل شده است که ان شاء الله در یک مقاله جداگانه بررسی خواهد شد.

مقصود ما استدلال به روایت «باب حطه» بود که ثابت می کند هر کس از اهل بیت علیهم السلام اطاعت کند، خداوند گناهان او را خواهد بخشید؛ اما اگر سرپیچی کند و اطاعت از آن ها را با اطاعت از دیگران عوض کند، گرفتار عذاب خواهند شد؛ همان طور که خداوند در آیه بعدی می فرماید:

فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَنْزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ.

اما افراد ستمگر، این سخن را که به آنها گفته شده بود، تغییر دادند (و به جای آن، جمله استهزاآمیزی گفتند) لذا بر ستمگران، در برابر این نافرمانی، عذابی از آسمان فرستادیم.

الحمد لله الذي جعلنا من المتسكين بولاية أمير المؤمنين و أولاده المعصومين عليهم السلام.